بروست معاجراهنا و محشر انام و چون سخن یهود بر ذم خانه خدای و مدح مسجد اقصی بود اهل اسلام نیز در مقابله کلام ایشان از فضایل بیت
معظم و وجوه تفضیل آن حرم محترم شمه بیان کردند و مکالمه بین الفریقین بمجامعه انجامید حق سبحانه تقویت سخن مومنان فرموده فضیلتی چند
که کعبه اختصاص داشت و بیت المقدس از ان عرضی نبود بیان فرمود که اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ بدرستی که اول خانه که بروی زمین
وُضِعَ وضع کرده و ساخته شد لِلنَّاسِ برای مردمان تا آنرا زیارت کنند و متعبد خود سازند لَلَّذِی بِبَکَّةَ آن خانه است
که در بکه واقع شده یعنی خانه کعبه و درین اولیت دو قولست یکی آنکه اول بناست بر روی و در سوره بقره گذشت که موضع کعبه
بدو هزار سال قبل از بسط بساط زمین مطاف ملکه بود و بعد از هبوط آدم بیت المعمور را بران موضع فرو آوردند و آدم بزیارت
آن مامور گشت و در وقت طوفان آن خانه را باسمان برده در محاذات موضع کعبه بداشتند و بعد از مدتی ابراهیم را ببنای آن خانه
امر فرمود و چون یهود بنای بیت المقدس ابداو و سلیمان نسبت داده علم مفاخرت می افراشتند حق سبحانه میفرماید که بانی این خانه
ابراهیم است و درجه خلیل رحمن در کثرت مناقب و رفعت مراتب اعلی و اعظمست از درجات داود و سلیمان پس کعبه از جهت
شرف بانی اشرف باشد و گفته اند در عالم بنای شریفتر از کعبه نتواند بود زیراکه آمرش ملک جلیل بوده و مهندس جبرئیل
و بانی ابراهیم خلیل و مزدور اسمعیل نبیل زهی شرف تمام و علو کلام بیت مقامیست که زخاکش پوشش کنند : ملوک
معطر مشام : محلیست برتر ز ذات البروج : مکانیست خوشتر ز دار السلام : قول دیگر آنست که اول خانه که موضع شد برای حج
مردمان این خانه است که در بکه ساخته شده و بکه اسم بلدست و امام مالک بران رفته که بکه اسم همان بقعه ایست که کعبه دروست
و در اخبار آمده که وقتی که قریش خانه را عمارت میکردند چون اساس آن پدید آمد سنگی بزرگ سیاه و دیدند بخطی سفید بران نوشته
که بکه جمعی برانند که بکه اسم زمین خانه و حوالی آنست از مسجد الحرام و ماورای این موضع را مکه گویند و از ابن عباس منقولست که مکه از
فج است تا تنعیم و بکه از بیت است تا بطحا و برین قول مکه تمام حرم باشد و بکه همین شهر و بس و مشهور آنست که مکه و بکه هر دو
و تعاقب میان با و میم بجهت قرب مخرج در کلام عرب مرسیست شایع چون لازم و لازب و راتم و راتب و غیر آن و در تشویق
آورده که بکه نام مکه است و مکه چهارده نام دارد قال الله تعالی ببطن مکة و وجه تسمیه آنست که مکه در لغة زایل کردن باشد و مکیدن
شیر از پستان و کم شدن آب پس گویا برکت آن شهر زایل میکرداند گناهان حجاج را یا جذب مینماید و بخود میکشد خلق را
از جوانب عالم چنانچه طفل اجتذاب شیر میکند از پستان مادر یا زمین همه آب را بخود کشیده است جهت آنکه وسط الارض
شده و چشمها از تحت او منبع میشود و قلت آب او ازین سبب همین است بکه قال الله تعالی لَلَّذِی بِبَکَّةَ و بکه در لغت
شکستن و فرو کوفتن باشد این شهر نیز گردن سرکشان را میشکند و سر گردنکشان را فرو میکوبد و هیچ جباری بنیت قصد آن خانه
برتوسن جهان نشد و الا که چون رکاب پایمال او بار شد یا از تباک گرفته اند که از دحام و انبوهیست و انبوهی خلق و از دحام ایشان
بموسم حج دران شهر ظاهر است ۳ بلد قال الله تعالی لا اقسم بهذا البلد ۴ بلد الامین قال الله تعالی و هذا البلد الامین
بمعنی امان دهنده است یا امان یافته ۵ قریة امنة که اهل آن از غارت امان داده است ۶ قریة مطمئنة که ساکنان

وارد آرام

و آرام از انتقال و ارتحال باز داشته است و این هر دو نام درین آیه مذکورست وضرب الله مثلا قریة کانت آمنة
مطمئنة ۷ ام القری قال الله تعالی و لتنذر ام القری و من حولها او را مادر دهها خوانند جهت آنکه تمام زمین گسترده از تحت
۸ بلد حرام قال الله تعالی رب هذه البلدة الذی حرمها و ذکر حرمت او مذکور خواهد شد این هشت نام در قرآن
۹ صلاح مثل قطام قال الشاعر ابا مطر هلم الی صلاح و او مصدر است از صلاح یعنی البقعة شایسته ۱۰ باسه در خبر آمده که مکه
را باسه باعث باران گویند که هلاک کننده است هر کسی که در وی قدم از طریق ادب بیرون نهد ۱۱ حاطمه یعنی شکننده
اعناق جباران و در ورطه هلاک افکننده ستمکاران ۱۲ کوثا گفته اند کوثا نام شهر کوفه است ۱۳ کوسما این نام
در تفسیر کبیر آمده و غالبا لغتست غیر عربی بمعنی آن معلوم نیست ۱۴ ام رحم در معالم آورده که مکه را ام رحم جهت آن گفت که رحمت ازو
نازل میشود بر طایفان و عاکفان هر محتاجی که با تحفه افلاس روی نیاز بدین مامن انس آورد خازن لطف و عنایت مقدار
از نقود رحمت که گنجایی آن دارد بدو ارزانی دارد کدام مفلس پس بدین درگاه آمد که نقد مراد بر کفش ننهادند بیت کدام بنده درین
آستان نهاد سری : که لطف خواجه نه بر روی او گشاده دری : و بقول ثانی که اولیت را بوضع عبادت حمل کردند و واضع خدا
تعالی باشد و بزرگی در محفل فرموده که عوام روی بموضع آوردند و خواص توجه بمعرفت واضع کردند مثنوی حج زیارت کردن خانه
بود : حج رب البیت مردانه بود : خواجه پارسا در مناسک از محمد بن الفضل البلخی نقل میکند که عجب دارم از آنکه در دنیا خانه وی طلبد
چرا در دل مشاهده وی نطلبد عجب دارم از کسی که بادیه ها و بیابانها قطع کند تا بخانه رسد که دران آثار انبیا ویست چرا بادیه نفس و دریای هوا
برزد تا بدل خود رسد که دران اسرار مولای ویست عجب دارم از آنکه بهوای خود بخانه رود و زیارت کند چرا قدم بهوای خود نهد
تا بدوست رسد و مشاهده لقای وی نماید و در حقایق صادقیه مذکورست که واعجبا از کسی که بسوی کعبه گل مسافت میکند تا رکن و مقام
بیند چرا جانب کعبه دل نکند تا انوار تجلیات ملک علام بیند بیت طواف کعبه دل کن اگر دلی داری : دلست کعبه معنی تو گل چه
پنداری : یکی از اهل تحقیق فرموده که دلالت آیه بر اولیت در فضل و شرفست چه مقصود ترجیح است بر بیت المقدس و این تفضیل
ثابت شود نه به بنا غایتش آنکه ثبوت اولیت بسبب فضیلت منافی ثبوت اولیت از جهت بنا نیست و از امیر المومنین علی علیه السلام سوال
کردند که آیا کعبه اول خانه ایست که برای پرستش خدای ساخته اند فرمود که نی پیش از ان نیز بیوت عبادات و مواضع طاعات بود
اما اول خانه ایست که حق تعالی مبارک گردانید بر مردمان و سبب رحمت و هدایت عالمیان کما قال مُبَارَکًا برکت داده
شده یعنی بسیار نفع و کثیر الخیر و فواید و خیرات او عاید است بآنکه حج و عمره و در باب طواف و اعتکاف و زیارت ناظران
و از موبرکت دو معنی دارد نمو و ثبات اگر بمعنی نمو دارند که زیاده شدن و بالیدن است کدام برکت زیادت نمازی در حوالی خانه که
مسجد الحرام است برابر باشد با هزار نماز در ما سوای آن و بجز نظر کردن در خانه کعبه بی طواف و نماز برابرست با عبادت یکساله که
گرد واقع شود و در حدیث آمده که جزای حج مبرور نیست مگر بهشت و معلومست که برکت هیچ چیز برابر آن نتواند بود که جالب رحمت
و جاذب مغفرت و موجب جنت باشد و اگر بصورت نظر کنند برکت آن موضع یجبی الیه ثمرات کل شیء فهم توان کرد و هر جا در همه

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)